

## ( احزاب سیاسی و انقلاب روسیه )

اتحادیه سوسیالیستهای انقلابی « ما کزیمالیست »

اصولی که این اتحادیه تعقیب میکرد عبارت بود از تأمین تمام وسائل نمو و ترقی انسانی و میگفت تنها مسلک سوسیالیزمی این کار را میتواند انجام دهد . این اتحادیه بین‌المللی است و شامل تمام طبقات فلاحین و کارگران متفکر و عملجات میشود و با تمام رژیم‌های منفعت جو طرفیت و جنگ میکند تا موفق شود که سیاست و اراضی و صنایع و کارخانه‌جات را در دست کارگران دهد و مسلک سوسیالیزمی بانام معنی و حقیقت خود آشکار گردد .

انقلاب کبیر روسیه که از سیاست شروع نمود باید کاملاً اجتماعی شود مدیران این اتحادیه سعی میکنند که سد های بین طبقات منفعت خواران و منفعت دهان را هموار کنند و با اتفاق سائتهای نمایندگان عملجات و دهقانان و سربازان مساعی بکار برند که تمام محصولات ارضی و مصنوعی و طبیعی را بلادرنگ اجتماعی و به نفع عامه گذارند .

اتحادیه مقابله میکند با هر نوع خیالی که راجع باشد به جمهوری پارلمانی و دموکراسی « مقوی اصول سرمایه داری » و درعوض اعلان میکند یک جمهوری شوروی کارگرانی که اعضایش بطور عمومی و مستقیم و مخفی بانمایندگی متناسب رفتارندم عمومی انتخاب

شوند. استقلال کامل به تشکیلات محلی و شهرها و کومون داده میشود. ادارات عمومی سیاسی حتماً از مرکزیت باید بیفتند. مملکت و کومون تنها حق مالکیت اراضی و معادن و صنایع و دخالت در آنها را دارند هر ملتی حق تعیین تکلیف و تقدیر خود را دارد و نیز باید در همه جا حق کارگرا برحق طبقه سرمایه دار و صنوف ممتازه ترجیح داد در موضوع قضایای فلاحی ماکزیمالیست ها معتقد به ضبط و تصرف تمام املاک شخصی و خصوصی و تسلیم بدارات محلی میباشد تا آن ادارات به نسبت مساوی تمام املاک و اراضی را بین فلاحین قسمت نمایند. استخراج معادن و استفاده از اراضی با اصول کومون عمومی اداره خواهد شد و کار مزدوری بکلی ملغی خواهد شد. منافع اراضی تمام عاید دولت و تشکیلات محلی خواهد گشت کارخانجات و وسائل حمل و نقل و تجارت از دست صاحبان آنها خارج و در دست دولت و ادارات محلی و شوراهای صنفی خواهد افتاد این شوراهای و بورسهای کار بکلی ملغی شده اند که رفع احتیاجات کامل کارگران را از هر بابت بنمایند.

کومون - مرکز اصلی حکومت کارگراست او تنها حق دارد وضع مالیات های لازمه برای رفع احتیاجات عامه بکند تعرفه گمرکی برای امتعه خارجه بکلی قدغن است و تجارت خارجه هم بکلی ملغی خواهد بود.

تعلیمات ابتدائی مجانی و عمومی و اجباری است و تعلیمات متوسطه و عالیّه در اختیار دولت است پرنسپ آزادی عقیده اعلان شده است و همچنین مسائل مذهبی از مسائل سیاسی بکلی تفکیک گشته قشون دائمی محذوف و بجای آن قشون ملی برقرار خواهد گشت : قضات انتخابی و عدالت مساوی و عمومی و آزاد خواهد بود نتیجه انقلاب مربوط به حکومت مرکزی نیست بلکه متعلق است به مؤسسات محلی کارگران و حکومت موقتی باید تبدیل شود به سادتهای نمایندگان کارگران دهقانان و سربازان یعنی بحکومت جمهوری کارگران .

در خصوص جنگ فعلی ما گزیمالیست ها مایل نیستند صلح جداگانه با آلمان و یا با دول متحده بکنند در صورتیکه نتیجه عاید حکومت های بورژوازی شود بلکه وقتی تن صلح خواهند داد که الحاق اراضی و ادای خسارت جنگی بکلی ملغی شده و ملل در مقدرات خود آزاد باشند و ایجاد یک شورای آزاد کارگر برای کل اروپا معین شود .

اتحاد سوسیالیستهای انقلابی « ما گزیمالیست ها » که پرنسپشان بطور خلاصه ذکر شد در ۱۹۵۰ و ۱۹۰۶ بوقوع پیوست مؤسس این اتحاد سوکولوف بود که شرکت داشت در جنایت برضد استولی بین سوکولوف در محکمه نظامی محکوم و در دسامبر ۱۹۰۶ مسلوب گشت .

اتحادیه مرکب بود از « سوسیال انقلابی جوان » و « تروریست های فلاحتی » و « سایر عناصر انتهائی حزب اجتماعی انقلابی » در ۱۹۰۷ پس از مجازات سوکولوف ماگزیمالیست ها از حدت در کار افتادند و فعلا « هنگامیکه مصنف کتاب را نوشته » خط سیر را تغییر داده جزو ساوتهای عملجات و دهقانان و سربازان گشته اند :

رساله هائی که اتحادیه در ۱۹۰۵ منتشر میکرد عبارت بودند از « اصول قوانین کارگران » و « میل کار » و « ملادرگرو نشتاد و پطروگراد ارکان حزب « جمهوری کارگران » میباشد در تحت مدیریت گامین و ایورین

## (سوسیالیست مارگزیست)

این حزب مرکب بود از پنج دسته مهم یعنی ، دسته بدنیستو و دسته منشو و یکهای مدافع ساده و منشویکهای انقلابی و دسته منشویکهای بین المللی و دسته سوسیال دموکرات های بین المللی و دسته بولشویکهای لنینی « اشتراکی » دویز حزب عبارت بود از ( عملجات تمام دنیا متحد شوید ) مارگسیسم در روسیه - در اینجا رشته مطلب را قطع کرده مختصری از تاریخ ورود این مسلک را در روسیه ذکر میکنیم - اولین سوسیالیست مارگسیست روس پلخانوف مصنف دورساله

« سوسیا لیسه و جنک سیاسی » و « اختلاف عقاید ما »  
 منطبعه خارجه بود ، این شخص در سنه ۱۸۹۳ با همدستی ورا سا-سولچ  
 و دچ در شهر ژنو تأسیس « آزادی کار » را نمود ،  
 در ۱۸۹۰ که مسلك مارکسیسم در ادبیات سیاسی روسیه طالع گشت  
 بلخانوف و استروو در انتشار این عقیده بسیار مقالات نوشتند  
 ولی در ۱۸۹۸ بود که دسته بنام سوسیال دموکرات عملجات روسیه  
 در اولین کنگره منیسک تشکیل یافت .  
 در ۱۹۰۳ هنگام افتتاح کنگره دوم این حزب پرو گرام خود را تویف  
 و جمع آوری میکند و اختلاف و تفریق بین بولشویکها و منشویکها دست  
 میدهد در سال ۱۹۰۵ در کنگره استکهلم این دوسه دسته صرف نظراز  
 اختلافات کرده یکی شدند در ۱۹۰۷ در کنگره لندن يك افتراق  
 جدیدی بین آنها دست داد و در ۱۹۱۱ يك تشکیلات جدیدی هر دو  
 دسته برای خود دادند و بطور وضوح استقلال خود را اعلان  
 کردند و هر دسته کمیته مرکزی و سایر قسمتهای حزبی خود  
 را تعیین نمودند .  
 پنج دسته حزب مارکزیست — بعد از ۱۹۱۱ و پنج دسته  
 سوسیال دموکرات عملجات روسیه تشکیلات رسمی خود را دادند  
 و ما در اینجا بذکر تشکیلات و مرام هر يك از آنها جداگانه  
 خواهیم پرداخت .

اول دسته بدینستو ارتود کس است که در تحت مدیریت  
پلخانف و دج اداره میشد .

دوم دسته منشویکهای مدافع بودند که خود بر دو فرقه  
قسمت شدند مدافعین خالص در تحت ریاست ساسلف  
و بوطرسوف و مدافعین انقلابی در تحت ریاست دان و بوغدانف  
اداره میشد

سوم دسته منشویکهای بین المللی که بدور مارتوف

و آکسلرد جمع شده بودند.

پنجم بلشویک های لنینیست اشتراکی که بر سر آنها

لنین و زنبویف و کامنف واقع بودند

در ۱۹ و ۲۵ اوت ۱۹۱۶ در پترزبورگ گردهم آمدند و متحده از حزب تشکیل

یافت و در آن کنفرانس منشویکهای بین المللی و سوسیال دموکرات های

بین المللی متحده شرکت داشتند فی ما بین آنها مدافعین اکثریت

داشتند و یکسره کمیته جدیدی انتخاب کردند که ارکانش «روز نامه

عملیات» بود اما قسمت عمده مدافعین در بولشویکها منحل شدند

عده جراید مسلك مارکسیست قریب سی عدد بود از آنجمله

روز نامه « بطرف جلو » مال ترستیکی و جریده « عمله » مال  
لنین بودند .

بقیه در شماره آتیه

دکتر حسینقلی قزل ایساغ

## آثار انجمن ادبی ایرن

مکن پیشه رسم جفا گستری را	بیندیش بسادا قره داوری را
نتیجه تکبر بود شرمساری	بخبره مزن طبل مستکبری را
یقین دان که زودت دهد ظلم بهره	کند پیشه مظلوم گر صابری را
بسی بر نیاید که این کرده ایت	مجسم کند صورت کیفری را
بر شاخه ظلم ظلم است باری	بر این بار باشد شرف بی بری را
جوانی مکن زود باشد که پیری	دو تا سازد این قامت عرعری را
چنان زیر بار طبیعت شوی تا خم	که آموزد از او فلک چنبری را
ره دانش و داد میجو که انسان	بدانش کند رام دیو و پری را
که گردانشت نیست بر سرت بندند	چو کوپارگان ربقه چاکری را
بعلمه و بگوهر بیارای جان را	که بیعلم نبود شرف گوهری را
فرو بند دکان ریت که نبود	دگر مشتری معجز و ساحری را
تورا مشتری گرد امروز ناید	چه فردا بیایدت سودا گری را
بلندی انسان بعقل است و باید	بدویابی از دیگران برتری را
بزعم من این روح را جز بدانش	نیایی مخوان بیهده تنگری را